

محمد مهدی بهمنی

بررسی موانع تحقق جامعه مدنی

بررسی مهم‌ترین موانع تحقق جامعه مدنی در کشورهای در حال توسعه می‌پردازیم که عبارتند از: **الف) موانع فرهنگی در قالب متغیرهای فرهنگی بازدارنده:**

۱- جمود فکری و عقلی:

۱-۱: قشری‌گری

۱-۲: نقل به جای عقل

۱-۳: اعتقاد به سحر و جادو و خرافات

۲- ایستایی

۲-۱: توقف مباحث علمی

۲-۲: جهان بینی التقاطی

۲-۳: مقابله با نوآوری

۲-۴: جهان بینی بسته

۳- رسوم و سنن

۳-۱: تعصبات غیر منطقی

۳-۲: فرهنگ طبقاتی و اشرافی

۳-۳: تجمل پرستی

برخوردار است، مشخص می‌شود که جامعه مدنی مبتنی بر وجود حوزه‌های ویژه است که پس از تجزیه حوزه دولت باقی می‌ماند.

حوزه‌های که در آن نزاع‌های اقتصادی و اجتماعی و ایدئولوژیک رخ می‌نماید و دولت از طریق وساطت یا سرکوب، سعی در حل آنها دارد. کارگزاران این منازعه در جامعه مدنی عبارتند از:

نیروها، طبقات، گروه‌ها، جنبش‌های اجتماعی و نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های فشار که دور از دسترس دولت قرار دارند. به همین خاطر از این منظر می‌توان جامعه مدنی را این گونه تعریف کرد: جامعه مدنی در علوم اجتماعی معمولاً در مقابل دولت، به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، موسسات، انجمن‌ها و تشکل‌های خصوصی و مدنی (NGO) ها را در بر می‌گیرد.

اکنون که با تعریف جامعه مدنی آشنا شدیم به

قبل از ورود به بحث اصلی لازم است تعریف جامع و کاملی از جامعه مدنی ارائه شود. به طور کلی پنج تعریف مشخص برای جامعه مدنی وجود دارد که عبارتند از:

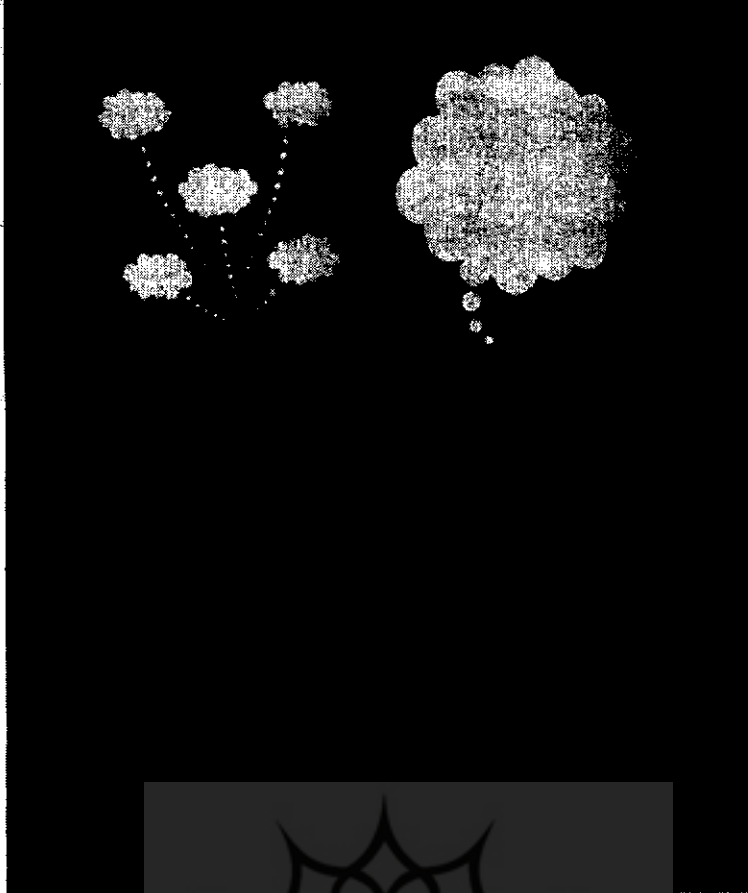
۱- جامعه مدنی به مفهوم دولت در اندیشه ارسطویی، در مقابل خانواده و در اندیشه اصحاب قرارداد اجتماعی، در مقابل وضع طبیعی است.

۲- جامعه مدنی به مفهوم جامعه متمدن در مقابل جامعه ابتدایی، (اندیشه آدام نرگسون)

۳- جامعه مدنی به مفهوم حوزه رابطه مادی و اقتصادی و علایق طبقاتی و اجتماعی، در مقابل دولت

۴- جامعه مدنی به مفهوم شکل اولیه تکوین دولت در اندیشه مارکس

۵- جامعه مدنی به مفهوم جزئی از روبنا و مرکز تشکیل قدرت ایدئولوژیک یا فکری طبقه حاکمه با عنایت به تعریف اخیر که از اعتبار بیشتری



۳-۳: فرهنگ تزویر، ربه تملق گوئی، دروغ گوئی،
اختلاس
**ب) موانع اجتماعی در قالب متغیر و
نهادهای اجتماعی بازدارنده:**

- ۱- شالوده‌های سیاسی نامناسب:
 - ۱-۱: استبداد
 - ۱-۲: بی سامانی دولت
 - ۱-۳: بی اعتنایی دولت به حقوق مردم
 - ۱-۴: تشکیل حکومت‌های فامیلی
 - ۱-۵: بی ثباتی سیاسی
 - ۱-۶: فقدان امنیت
 - ۱-۷: فقدان هویت ملی
 - ۱-۸: عبور ناموفق و ناقص از مرحله دولت -

ملت‌ساز

- ۱-۹: بروکراتیزه شدن سیاست
- ۱-۱۰: دولت محوری و اتکاء بیش از حد بر نقش دولت
- ۱-۱۱: ساختار فرهنگ سیاسی و رشد نیافتگی جامعه محوری
- ۲- شالوده‌های اجتماعی نامناسب:
 - ۲-۱: عدم وجود قوانین مالی، بازرگانی و مدنی مناسب

مناسب

- ۲-۲: بی تفاوتی نسبت به قانون
- ۲-۳: تنوع یافتگی ساختاری و عدم برخورداری نسبی خرده نظام‌ها از استقلال نسبی
- ۲-۴: قانون‌گریزی

- ۲-۵: تبلیغات سوء مخالفان جامعه مدنی به دلیل عدم درک و شناخت میانی جامعه مدنی
- ۲-۶: عدم وجود تساهل و تسامح
- ۲-۷: عدم احترام به حیثیت و شخصیت افراد و عدم رعایت حقوق آنان
- ۳- حاکمیت افراد و گروه‌های خاص:
 - ۳-۱: طبقاتی بودن جامعه
 - ۳-۲: عدم حضور مردم در نظام تصمیم‌گیری
 - ۳-۳: فساد اجتماعی
 - ۳-۴: بی اعتمادی مردم به دولت
 - ۴- نهادهای باز دارنده:
 - ۴-۱: بی سوادگی
 - ۴-۲: جهل و ناآگاهی عمومی
 - ۴-۳: فقدان و عدم گسترش مطبوعات

- ۵- سنت‌های بحران‌زا در فرهنگ سیاسی:
 - ۵-۱: سنت خودکامگی و استبداد
 - ۵-۲: سنت خشونت، توطئه و تزویر
 - ۵-۳: سنت تک‌روی و مرد محوری
 - ۵-۴: کج اندیشی و فقدان تسامح سیاسی
 - ۵-۵: بی اعتمادی، قانون‌گریزی و ریاکاری

۱- ایستایی تولید:

- ۱-۱: تولید سنتی
- ۱-۲: تولید در مقیاس کوچک
- ۱-۳: تک محصولی بودن اقتصاد
- ۱-۴: واگذاری امتیازات به خارجیان

- ۱-۵: بیکاری نیروی کار
- ۱-۶: غارت و چپاول استعماری
- ۲- شالوده‌های مالی و پولی نامناسب:
 - ۲-۱: اخذ مالیات‌های بی رویه
 - ۲-۲: فرار از پرداخت مالیات
 - ۲-۳: نظام قیمت‌گذاری نادرست
 - ۲-۴: استثمار و بهره‌کشی ظالمانه
 - ۳- محدود بودن بازار
 - ۳-۱: وجود بازارهای بسته و محدود
 - ۳-۲: ایجاد موانع فراوان در راه گسترش تجارت و مبادله
 - ۳-۳: وجود دولت رانتی و در پی آن وجود بحران مالی
 - ۴- عدم گسترش خدمت زیربنایی:
 - ۴-۱: فقدان ارتباطات زیربنایی از قبیل جاده، راه‌آهن و بهداشت و...
 - ۴-۲: پایدار بودن موانع توسعه
 - ۴-۳: عدم استفاده از ظرفیت‌ها و استعدادهای

تدریس و رفع اشکال
فروس هروی
از دبیرستان دانشکده
تلفن همراه: ۰۲۲۳۱۸۳۳۷۲